



شخصیت

۲۴۵

xalvat.com



۲۴۵



« شخصیت فرهنگی حجت الاسلام محمد منتظری - سید مهدی هاشمی »
(به نقل از: کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۸، تیر ماه ۱۳۶۴، صفحات ۲۵ تا ۲۷)



شخصیت فرهنگی حجت الاسلام شهید محمد منتظری

xalvat.com

شهادت مهدی هاشمی

استاد نوشته یا گفته‌اند، او از شخصیتی چندبعدی و پیچیده و اسرارآمیز برخوردار بود ولی پیچیدگی در شخصیت استاد به عنوان یک خصلت تلقی نمی‌شد که همانند برخی سیاستمداران حرفه‌ای همچون اهرمی در پیشبرد اهداف سیاسی به کار گرفته شود بلکه از جامعیت و شمول شخصیت و عمق و پویایی خصلت‌ها و پایداری او به ارزش‌های مستعالی انقلاب، نشأت می‌گرفت.

از آنجا که نمی‌توان بعد فرهنگی هیرانسانی را از دیگر ابعاد شخصیت او تفکیک نمود، زیرا ابعاد گوناگون یک انسان چنان در مکانیزم شخصیت اندماج یافته که جز در مرحله وجود ذهنی امکان جداسازی و بازشناسی جداگانه هر یک از اجزاء ماهیت وجود ندارد و نظر به اینکه در راستای فرهنگ و اندیشه اسلامی «عمل صالح» تبلوری است از همه رشته‌های اعتقادی یک فرد و تجلی‌گاه همه ابعاد موجود در شخصیت انسان به‌شمار می‌رود، نمی‌توان بعد فرهنگ یک شخصیت را جدای از کل شخصیت او تحلیل نمود و یا برخی اعمال انسان را به نام فرهنگی و برخی دیگر را به نام سیاسی و... نامید.

بر این اساس تحلیل بعد فرهنگی شخصیت استاد شهید محمد منتظری الزاماً با یسادی از پیش‌ها و برداشت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مشارالیه همراه است. در این ارتباط یکی از لغزش‌های فاحش گویندگان و نویسندگان معاصر در تحلیل شخصیت شهیدای انقلاب بویژه شهید بین‌المللی انقلاب اسلامی، در غور توجه است که هر یک از چهره‌ها بنا بر عنایت و حساسیت ویژه‌ای که در برابر ضرورت‌های خاص انقلاب در زمان حیاتشان، نشان دادند و بطور قطع نمی‌توان آن را ملاک کلی در مرزبندی قلمرو ماهیت انقلابی آنان دانست، در یک بند خاص خلاصه شده‌اند.

سخن گفتن از شخصیت فرهنگی کسی که سالهای اول نهضت را به دلیل شرایط سخت حقیقتان گسنام زیسته و پس از آن تاجار به هجرت از کشور گشته است و در خارج از کشور بر حسب موقعیت‌های نامطلوب مبارزه، همواره به‌گشت و گذار در میان ملت‌های محروم سرگرم بوده است و پس از پیروزی انقلاب به دنبال احساس خطر جدی از خطوط مرموز برآشفته و به افشگری دست زده است و بالاخره در سن جوانی قبل از اینکه زمینه و فرصت ابراز شخصیت ثابت خویش را یافته باشد، به شهادت رسیده است پس دشوار است و بطور کلی بحث پیرامون شخصیتی که از روزهای نخست طلبگی مظلوم بوده و در روزهای پسر مخاطره مبارزه مظلوم زیست و در ایام مهاجرت، مظلومیت بر او تحمیل شد و پس از پیروزی انقلاب تا لحظه شهادت مظلوم بود و هنوز هم شخصیت واقعی او شهید، دهبخ و قسربانی می‌شود نه تنها مشکل است که نوعی ریسک به شمار می‌رود.

با این حال دم فرو بستن و سازگونکردن زوایای اندیشه‌ای که عرصه را بر خطوط صهیونیستی و فراماسونری و ایادی مرموز و پشت پرده تنگ ساخته بود و قلب میلیون‌ها انسان ستم‌دیده و مظلوم را در سراسر جهان شیفته خلوص و صداقت و سادگی خویش نموده بود، ستمی است عظیم بر فرهنگ انقلاب. شخصیت فرهنگی استاد شهید محمد منتظری آنچنان عظیم و متعالی بود که در مقابل بسی فرهنگی‌ها و ناخالصی‌ها و حق‌کشی‌ها و بی‌حرمتی‌ها که نثار او می‌شد، فرهنگی جز متانت و ادب و وقار و ایستادگی و تحمل نامایمات را پیش نمی‌گرفت، او برای دوستان ناآگاهش که در ترویج شایعات و اکاذیب دست کمی از دیگران نداشتند، دعا می‌کرد. علی‌رغم آنچه درباره

شهید بهشتی در تشکیل، شهید منتظری در خط بین‌المللی انقلاب و...

مرحوم محمد علاوه بر آنچه گفته شد، از این بابت از مظلومیت ویژه‌ای برخوردار است و در موقعیت‌های گوناگونی که انگیزه‌های ظالمانه خطی و گروهی برخوردارها را تنظیم می‌نماید، اندیشه‌های فقه‌آمیز و بینش‌های فلسفی و برداشتهای اقتصادی و منشی‌های اخلاقی آن شهید عمداً به طاق نسیان سپرده شده و قلمرو شخصیت او را در یک دایره محدود به نام «دیدگاه‌های بسین‌المللی انقلاب» محصور ساخته آمد.

باینکه بخشی از قسریادهای استاد در «صورت انقلاب» و بین‌المللی بودن خط انقلاب تمرکز یافته بود و حقاً پس از روزگار سید جمال‌الدین افغانی - نخستین فریادگر خط بین‌الملل در جهان اسلام - ناجوانمردانه است که ارزش و اهمیت این بعد حساس از انقلاب را که محافل امپریالیستی و صهیونیستی نیز سر ستمز با آن دارند نادیده گرفته، کماشعیت جلوه دهیم، ولی هنگامی که این بعد شخصیت به انگیزه کم رنگ ساختن سایر ویژگی‌ها و خصوصیات وی، پرتراکم و حساس نشان داده می‌شود، ما به یکی دیگر از ترندهای ادبی و فرهنگی کسانی برخورد می‌کنیم که حتی پس از شهادت استاد تلاش در حذف او را دارند.

مرحوم محمد پیش از آنکه انقلاب بین‌الملل به مخیله‌اش خطور کنند دانشمندی سترگ بود که رشته‌های حسوزی ادبیات، فقه و اصول، فلسفه و اقتصاد، اخلاق و عرفان را جامع‌تر و عمیق‌تر از همطرازان خویش فرا گرفته بود. او قبل از اینکه ناچار به افشاکری خطوط جاسوسی دشمن در داخل انقلاب شود، انسان کامل و وارستهای بود که اخلاق نظری را در راستای اخلاق عملی همراه با خوبی انقلابی خود تبلور می‌بخشید و سائها کوشید تا در فراز و نشیب‌های جامعه به سکوت خفته کشور در لایه‌ای امواج بی‌فرهنگی‌ها و عوامزدگی‌ها و نفس‌پرستی‌ها که جز عمومی‌جامه را تشکیل می‌دهد تزکیه نفس و تهذیب اخلاق را در خود تحقق بخشد و «مردمی بودن» را با تمرین فقر و قناعت و امساک، در رفتار و کردارش راسخ گرداند. و او پیش از همه این مراحل و در خلال آن به ضرورت یک انقلاب فرهنگی گسترده و شالوده‌ریزی یک تحول بنیادی در اندیشه‌ها، بینش‌ها و برخوردها پی برد و با سرعت و قاطعیت دست به کار آن شد. البته انقلاب فرهنگی نه از آن قصاصی که امروز بر سر زبانهاست و به جای اهتمام ورزیدن به ریشه‌ها و مشکلات و افق‌ها بر سر عناوین و اشخاص و وابستگی آن به این خط و آن خط، کشمکش و برخورد صورت می‌گیرد.

محمد از نخستین روزهای آشنایش با نهضت، دریافت که مبارزه و ستم‌بایهت حساکنه و درگیری با سیاست‌های شاه فراتر از یک تنوع صنفی در حوزه‌ها یا یک مأموریت سیاسی یا قهرمان نمایی و ریاکاری، یک رسالت فرهنگی است که ریشه در چگونگی تحلیل و تبیین مبانی فکری و عقیدتی و سیاسی «جهاد فی‌سبیل‌الله» دارد. به عبارت دیگر اوتحول روحانیت و مردم را که قرن‌ها باهنگ سکوت، ثقیه، سازش و تسلیم خفته بود جز از راه برانگیختن یک انقلاب در مبانی افکار و اندیشه‌های اسلامی آنان میسر نمی‌دید و ادامه تلاشها و فعالیت‌های پنهانی مبارزه را به برخورداری از یک سلسله گندم‌کاوهای تحقیقی در فقه و فلسفه و اخلاق و سیاست اسلامی مشروط می‌دانست. با الهام از چنین دریافت بدیمی بود که سنگ بنای کتابخانه سیاسی را در سال ۱۳۴۲ در حوزه علمیه قم نهاد و در شرایطی که مطالعه کتب سیاسی برای طلاب نوجوان حوزه‌های علمیه یک ممنوعیت فرهنگی بود و گرایش به سیاست مستلزم سلب عدالت، و پرداختن به تجزیه و

تحلیل پدیده‌ها و تحولات سیاسی جهان مسوجب محرومیت از حقوق اجتماعی می‌گشت، استاد شهید اقدامات زیر را سازمان‌دهی نمود:

- ۱- تأسیس چند کتابخانه سیاسی بسیار در مدارس فیضیه، دارالافتا، خان و حجتیه
- ۲- تکلف ساختن طلاب به خواندن کتاب‌ها و خلاصه نویسی آن
- ۳- ملزم دانستن طلبه‌ها به جمع‌آوری واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی غیرقابل فهم و تشکیل جلسات ویژه برای تفسیر و تحلیل واژه‌ها و اصطلاحات
- ۴- تکلف ساختن برخی طلاب ذی‌صلاح به گوش دادن اخبار و تحلیل‌های سیاسی راد یو

هرچند اقدامات فوق در مقیاس شرایط امروز انقلاب از باز نیرومند فرهنگی برخوردار نیست ولی در آن روزگار به منزله انفجاری تکان دهنده به شمار می‌آید. سه بیس عظیمی را درآیدها، تصورات و اذهان به جهل و سکوت خفته طلاب جوان به دنبال داشت.

مرحوم استاد در رابطه با اعتقاد به ضرورت زدن به یک تحول بینشی در اجتهاد و تفسیر و تبیین احکام اسلامی و نظریات قرآن مسفرین و چیران نارساییها و کمبودهای فرهنگی انقلاب با همکاری و همدستی یکی از دوستان نزدیکش در شرایطی که قدم نهادن به آن سوی مرزهای سنتی علمی حوزه، زیرخطر را در ذهنیت عمومی اهل علم به صدادر می‌آورد، تفسیرات سیاسی، نظامی، اقتصادی قرآن را مورد توجه قرار داد و با اینکه ناسازگاری جمعی و غربت محیط و برخورداری ناشایسته این و آن او را آزار می‌داد مباحث جنگ‌های منظم و نامنظم دفاع، هجوم، استراتژی نظامی، مبارزات راه‌پیکش اسلامی، برخورد با اقلیت‌های سیاسی جاسوسی و ضد جاسوسی از نظر اسلام، ارزیابی تجارب سازمان‌های جاسوسی و انواع مالکیت‌ها را مورد بحث و تحلیل قرار داد که جمع‌بندی نهایی هر مبحثی جداگانه تدوین و نگارش می‌یافت و در کلاس‌هایی که به همین منظور از طلبا عضو کتابخانه‌های سیاسی تشکیل یافته بود و بعدها به صورت هسته‌های یک تشکل اسلامی درآمد، تدریس می‌شد. دریا که این نخستین تجربه تحقیقی و فرهنگی در انقلاب اسلامی در یک پورش عاقلگیر کننده به دست سامورین ساواک شاه افتاد و امروز این رآورد عظیم علمی- سیاسی از دسترس تحلیل‌گرانی که در پی کشف نخستین انگیزه‌های باروری نهال مبارزه در ایران هستند، دور مانده است.

او در برداشتها و تفسیرهای خود از آیات قرآنی و کلمات نهج‌البلاغه به سنت‌شکنی فرهنگی و نوآوری معتقد بود. رآوری او به نوآوری در فقهات و اجتهاد و فهم آیات و روایات از این اعتقاد نشأت می‌گرفت که قرن‌های متمادی سلطه جباران و استعمارگران بر بلاد اسلامی و گسترش نفوذ فکری، فرهنگی قدرتهای غرب و شرق در جوامع مسلمین و دور ساختن علما و مراجع تقلید و روحانیت ازادی مبارزه و سیاست باعث نوعی حصار بندی در علوم و اندیشه‌های اسلامی گشته و عمق و محتوای آن را قربانی شکل و فرم ساخته و چه بسا اندیشمندان مسلمان را دچار خودسانسوری در فهم و کشف حقایق انقلابی معارف اسلامی نموده و بالاخره پویایی فقه اسلامی را از بین برده است. او با چنین اعتقادی، ایمان داشت یکی از رسالت‌های عظیم فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها باز یابی ارزش‌های پویای علمی، فقهی و فرهنگی علوم و اندیشه‌ها و معارف اسلامی است که به عهده فقه‌ها و طلاب علوم اسلامی نهاده شده است. این روحیه بدیع در سراسر زندگی استاد شهید بر کلیه تلاشهای علمی، اجتماعی، سیاسی او در داخل و خارج کشور سایه افکنده بود منتهی به سبب شرایط مستوع و مستعیر مبارزه، همتانگ با نیازهای انقلاب حرکت نمود، استاد

منتظری دیری نپایید که به تنظیم روایط انقلابی و شالوده‌ریزی یک سلسله فعالیت‌های زنجیره‌ای و پنهانی و مسافرت‌های مکرر به مراکز استانها و شهرستانها رآورد و عملاً تلاش‌های علمی و فرهنگی او مستوقف گشت ولی در تمام این مراحل روحیه سنت‌شکنی و نوآوری و پرهیز از تقلید کورگورانه و جمود و ارتجاع فرهنگی و تمرین طراحی و برنامه‌ریزی و اعمال قاطعیت در رفع موانع و مشکلات کلاسیک جامعه و انقلاب هم‌چون یک بعد از شخصیت فرهنگی استاد در آمده بود که تسوده‌های آن را در دوران نمایندگی مردم نجف‌آباد در مجلس شورای اسلامی و عضویت او در شورای عالی دفاع و پیاده‌گذاری سیاه پاسداران و افشاکری خطوط فیلد و تشکیل خانواده و تنظیم روابط خانوادگی و... می‌توان به وضوح دید. توجه و عنایت شهید مرحوم استاد در سازماندهی یک انقلاب فرهنگی به عنوان تنها زیربنای هر گونه تحول سیاسی- اجتماعی- اقتصادی در روزهای اقامت اجباری او در حوزه علمیه نجف به شکل دیگری بروز یافت. حوزه نجف که به لحاظ ممنوعیتها و محدودیت‌های فرهنگی دوسه قرن از شرایط سالهای ۲-۳ ۱۳۴۲ حوزه علمیه قم عقب‌تر بود، اقامتگاه زعیم انقلاب اسلامی حضرت امام مد ظله‌العالی بود. و مشعل وجود ایشان، محور تجمع مهاجرین انقلابی کشور گشته بود مرحوم استاد به کمک و همدستاتی تنی چند از یاران و همفکران مهاجرش شالوده کتابخانه سیاسی دیگری را در حوزه علمیه نجف اشرف

ریخت و در آن روزگار وانسا که سیسل تئوریهایی چپ‌گرایانه و انتقادی خلق آذهبان برخی طلاب جوان رآبه خود مشغول نموده بود و افسردگیهای فکری و سیاسی و دوستانه فقهی فرهنگی عرصه را بر بسیاری از نیروهای مبارز و مستهد تنگ ساخته بود و در مقابل فرصت مناسبی را در اختیار عمال و ایادی محافل فراماسونری نهاده بود تا از جو خاموش و خفته نجف، لانه‌های تزویر جاسوسی بر ضد انقلاب اسلامی و خط رهبری تدارک ببیند و به شکار نیروهای خط‌مشی و نفوذ در جوامع آنان بپردازد. محمد بنایک خط‌مشی فعال، یک سلسله فعالیت‌های فشرده علمی و فرهنگی را آغاز کرد که ثمرات آن راپس از زیروری انقلاب خونریز اسلام مشاهده نمودیم.

باید نظر گرفتن شرایط دشوار زمان مهاجرت که مرحوم استاد و دیگران را در نتیجه آهنین خود می‌فشرده و بسیاری رآبه انفعال گمشانده بود، توجه و تلاش خستگی‌ناپذیر او در سوق دادن نیروهای جوان مهاجر و طلاب حوزه علمیه به بحث و بررسی مسائل دینی و سیاسی و سازمان‌دهی نیروها در یک حرکت کادرسازی نشانگر عمق بعد فرهنگی در شخصیت استاد است که هیچ‌گاه تحت تأثیر شرایط جمودزا و موقعیت‌های تحمیلی به انفعال نیفتاد و خط کلی خویش را علمی‌رغم فشار محیط و شرایط دلی مشغولیهایی ساختگی دیگران دنبال کرد. «در مجموعه تلاشهای فرهنگی» استاد نباید از ظهور و بروز سایر ویژگیها و ابسام ارزنده شخصیت وی غافل ماند و طبق قانونمندی که پادشاه در آغاز سخن مبنی بر این است که یک برخورد فرهنگی نابرجوانب و ابعاد گوناگون دیگری مشتمل نباشد یک برخورد کامل نخواهد بود.

نظرمرحوم محمد در برخورد آموزشی و تربیتی خود با طلاب و دانشجویان و شاگردانش انگیزه‌های سازنده دیگری را مدنظر می‌گرفت که از آن جمله‌اند:

- ۱- آموزش فن خط‌شناسی و کشف رونه‌های نهفته مروزی که ماورای جریانات سیاسی و اجتماعی وجود دارد و اکثر سیاستمداران و انقلابیون بدون در نظر گرفتن عامل مزبور به تحلیل و بر سر خود، بسا خودت می‌پردازند.

خطوط مرموز معتقد به وحدت کلیه جناحهای خط امام بود و از عنصری به نام جناح‌بندی و خط‌بازیهای تفرقه‌انگیز در انقلاب سخت بیزار بود.

۲- قاطعیت

قاطعیت به معنی عدول نمودن از مواضع کلی و به کارگیری قدرت و صلابت در اجرای ضوابط و رفع موانع انقلاب و دوری از مساحله‌کاریهای منسفی، حزبی و شخصی، یکی از اصول برخوردار در منطبق مرحوم منتظری بود.

۳- ضابطه‌ها

مرزبندی خط فکری و عملی انقلاب و تحقق پیشمندی اصول و تعالیم حیاتبخش اسلام و مبارزات چهره حق و باطل در

جهان، مرهون ضابطه‌هایی است که اصول کلی آن در متون اسلامی مدون است.

۴- نخبه‌گیری نیروها و کادرها

شناسایی و جذب و سازمان‌دهی نیروهای کیفی و کادری مجرب و ورزیده که تلخی‌ها و ناکامیهای انقلاب آنان را از کیفیت بالا برخوردار ساخته، یکی از ارکان عمده به تمرکز شدن یک انقلاب است. بدیهی است احراز مدیریت یک انقلاب و کشور نیازمند انتخاب نخبه‌ها و برگزیدن نیروهای قوی و امین و گماردن آنان



در مسئولیتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و... کشور است.

یکی از کمروهای تیشکل در انقلاب، نخبه‌گیری نیروهای کیفی و مدیر و مدبر و لایق و متقی است.

۵- فساد نمودن تضادهای جزئی و فسرعی در راه تضادهای اصلی.

اصول پنجگانه فوق که استاد شهید معتقد به توازن و تعادل آنها بود مسأله کلی برخوردار است. راتشکیل می‌داد. مایه دلیل مراعات اختصار از شرح و بسط اصول مزبور خودداری می‌کنیم. چنانچه مجموعه برخوردهای استاد بزرگوارمان در طول عمر کوتاهش را ارزیابی کرده و حب و بغضها و اقراط و تفریطها و جزومد های تحمیلی را به سویی افکنده و فرهنگ ناب و زلال آن شهید مظلوم را درست بنگریم و دقیق بشناسیم، خواهیم دید متناسبترین و اصولیترین برخورد در انقلاب اسلامی را مرحوم محمد پیشه خود ساخته بود.

شهید بین‌الملل انقلاب اسلامی که در مکتب پدری چون فقیه مالیکدر حضرت آیت الله العظمی منتظری تربیت یافته بود جز این نباید اصولی را در برخوردها به کار می‌برد چه آنکه امروز نیز متناسبترین برخوردها را در کشور پس از مقام معظم رهبری از این شخصیت ممتاز و برجسته دیده و می‌بینیم.

والسلام علی جمیع اخواننا المسلمین

۲- سفارش به زهد و خلوص انقلابی و تسقویت روحیه‌های ساده‌زیستی و مردمی بودن و جلوگیری از تکاثر مسالی و وابستگی بسه تسجملات و تشریفات و آفرینش هنر خود کنایی در شرایط سخت و دشوار.

۳- تأکید و ترغیب بر دور ماندن نیروها از افراط در ذهن‌گرایی یا غلطیدن به وادی مخوف واقع‌گرایی خشک و جامد. در این رایسطه مرحوم استاد همپای تعلیمات عقیدتی- سیاسی، مسئولیتهای عملی مبارزاتی را به شاگردان واگذار می‌کرد تا آنان در خط میان ایده‌آلیسم و رئالیسم، در بونه آزمایش و بسنترشد سالم اسلامی قرار گیرند.

یکی از اجزای تفکیک‌ناپذیر شخصیت فرهنگی هراتسانی اعتقاد به ضوابطی است که روش برخوردار و اصول آن را مشخص می‌سازد. زیرا واژه (فرهنگ) در فرهنگ انقلاب اسلامی عبارتست از: مجموعه اندیشه‌ها، پیش‌ها، برداشتهایی که در راستای جهان‌بینی وایدتولوژی سرنوشت عمومی استرانیها، تاکتیها، برخوردها و اصول آن را تعیین نماید. بر این اساس، فرهنگ انقلابی انسانهاست که معیارهای برخوردار با مسائل انقلاب و مردم را رقم خواهد زد.

بالبینه «برخوردها» از نظر درجه‌بندی در خط اولویتها نسبت به اهداف استرانیهای کلی در رتبه متأخری قرار گرفته ولی نقش سازنده و تعیین‌کننده آن به اندازه‌ای است که موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، جذب و دفع، و چگونگی دستیابی به ارزشها و اهداف و آرمونها بستگی به روش برخوردار دارد. بنابراین هرگاه در راه نیل به اهداف متعالی و ارزشهای انقلاب، برخوردهای متناسب میان اهداف و استرانیها از یکسو روشهای برخوردار از سوی دیگر مراعات شود، دستیابی به آرمونها مورد نظر بر حسب درازمدت یا کوتاهمدت بودن اهداف تضمین شده است. در این رابطه چه بسا مقصدهای بسیار متعالی و ارزنده‌ای که در اثر روش برخوردار نامتناسب به شکست وایتنال کشیده شود. بنابراین ارزیابی ابعاد فرهنگی یک شخصیت الزاماً با تحلیل ضوابط روش برخوردار با جریانات سیاسی- اجتماعی و رویدادهای انقلاب و جهان و مشکلات مردم همراه می‌باشد.

در مورد استاد شهید محمد منتظری باینکه بر حسب ظاهر نموده‌های مشهودی که از برخوردارهای وی با مسائل کشور و انقلاب، در خاطره‌ها باقی مانده، احیاناً نشانگر نوعی افراط و تندروی است ولی به تصور نگارنده چنین برداشتی از حقیقت به دور نبوده و بی‌آنچه دوستان نزدیکش از نزدیک شاهد آن بوده‌اند مغایرت کلی دارد. استاد شهید در تنظیم برخوردهای خویش اصولی را به شرح زیر معتبر می‌دانست که متأسفانه بعثت سواچه شدن با شرایط استثنایی روزهای اول انقلاب و بروز برخی صحنه‌های فوق‌العاده توفیق تنظیم دقیق اصول مزبور را نیافت، از سوی دیگر همسان‌سازی و خطوط مرموزی که استاد پر خاشگرانه بر سرشان فریاد می‌زد به کار بستن نرفندهای مودبانهای تلاش نمودند حوادث و پیش‌آمدها و موقعیتهای مربوطه را چنان هدایت کنند که آن مرحوم را در خط سیر کلی فعالیتهای اجتماعی باین بست مواجه سازند و تا حدودی نیز توفیق یافتند (تحلیل این نکته حساس نیاز به یک مسأله جداگانه دارد)

اصول روش برخوردار از دیدگاه استاد شهید:

۱- شرح صدر

مرحوم محمد به ضرورت جذب استعدادهایی که هنوز شکل نهایی به خود نگرفته و می‌توان در یک روند تربیتی آنان راه رشد لازم در راستای انقلاب و خط امام رساند ايمان کامل داشت. اولتزشهای جزئی و انحرافات غیر اصولی و غیر عمدی و ناآگاهانه‌ای را که از حدود اختیارات افراد بیرون است، مانعی برای جذب نیروها نمی‌دانست. بر همین اساس او در برابر آنها چم